شورای شهر: چرا تهران را آب گرفت؟

شهرداری تهران: کاری کردیم که سیل نیامد

دنیای‌اقتصاد: شـهروندان تهرانـی طـی ۲ روز ابتدایی هفته با چالـش آب‌گرفتگی معابـر اصلی و فرعـی مواجـه بودند؛ با وجود این مدیریت شـهری از اقدامات انجام‌شـده درخصوص مدیریت باران‌هـای اخیر راضی بـوده و معتقد اسـت لایروبی به موقـع تونل‌هـای جمع‌آوری آب‌های سـطحی باعث شـد تا سیلی در پایتخت به وقوع نپیوندد. غلامرضا شنگی، سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، روز گذشته در شورای شـهر حاضر شـد تا ضمن ارائـه گـزارش درخصـوص عملکرد مدیریت شهری درخصوص آمادگی در برابر بارندگی‌ها، مدیریت روان‌آب‌ها و پیشگیری از وقوع سیلاب به سـوالات نمایندگان پاسخ دهد. درحالی که بخش زیادی از شـهروندان تهرانی روز شنبه و یکشـنبه با آب‌گرفتگی معابر اصلی و فرعی شهر مواجه شدند و بزرگراه‌های اصلی پایتخت غرق در روان‌آب بود، سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری تهران اعلام کرد: اقدامات به موقع انجام‌شده از سوی مدیریت شهری شامل لایروبی کانال‌ها و انهار شهر تهران، شناسایی گلوگاه‌های حساس، آماده باشی ۱۰۰ درصدی سـازمان‌ها و شرکت‌هـای مربوطه باعث شـد تا به‌رغم باران‌های مستمر شدید تهران، سیلی در پایتخت به وقوع نپیوندد؛ البته در برخی نقاط شهر شاهد بروز رواناب بودیم، اما این روان‌آب‌ها نتیجه پرشـدن کانال و جوی‌های آب و سرریز آب به سطح معابر بود. وی با اشـاره به میزان بارندگی ثبت‌شده در ایستگاه‌های سنجش شـهر تهران خاطرنشـان کرد: بر اساس اطلاعات ثبت‌شده تا ساعت ۲۲ شنبه شانزدهم آبان ماه، میزان بارندگی در شهرک قائم به حدود ۷۹٫۷ میلی‌متر رسیده بود. این در حالی است که در سیلاب‌های سال‌های گذشته، میزان بارش ثبت‌شده در ایستگاه فرودگاه مهرآباد حدود ۵۵ میلی‌متر بود.

معاون خدمات شهری شـهرداری تهران تقریبا یک‌ماه پیش تغییر کرد؛ اگرچه دلیل مشـخصی برای تغییر معاونت خدمات شهری ارائه نشـده، اما ازآنجاکه شـهروندان تهرانی در گزارش تماس‌های تلفنی حادترین معضل شهر را «رفت‌وروب» ضعیف اعلام می‌ کننـد، احتـمالا این نارضایتـی از وضعیـت نظافت شـهر در این تغییر رویکرد مدیریتی دخیل بـوده و درواقع این جابه‌جایی به‌نوعی پاسـخ به ایـن گلایه تهرانی‌ها اسـت. این موضوع امیدواری درخصوص احتمال افزایش تمیزی پایتخت را ایجاد کرده است. سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری تهران روز گذشـته در جریان جلسـه صحن علنی شورای شهر با اشـاره به اختلاف ارتفاع نقاط مختلف پایتخت اظهار کرد: با توجه به اختلاف ارتفاع حدود ۷۰۰ متری میان میدان تجریش و شهرری و افزایش این اختلاف در برخی نقاط به حدود ۸۶۰ متر، حجم و سرعت جریان آب در کانال‌ها بسیار بالاست و اگر شرایط فنی آنها به‌درستی کنترل نشود، می‌تواند خسارت‌های جدی به زیرساخت‌های شهری وارد کند.

تکثیر «ممدانی» در کلان‌شهرهای آمریکا چرا چپ‌ها سکان شهرداری‌ها را یکی یکی تصاحب می کنند؟ از نیویورک تا واشنگتن دی‌سی

بهره‌برداری انتخاباتی از فشار مسکن

› شهرداران جدید واشنگتن دی‌سی و لس‌آنجلس روی چهارپایه «دغدغه‌های روز شهروندان» سوار شدند و مشابه زهران ممدانی شهردار نیویورک وعده گره گشایی دادند

› پایگاه رأی شهرداران چپ گرا چطور شکل گرفت؟ آینده سیاسی آنها باتوجه به «عیار اقتصادی وعده‌های سیاسی» چگونه خواهد بود؟

نیلوفر ادیب‌نیا
دنیای اقتصاد

پیروزی «زهران ممدانی» در کارزار شهرداری نیویورک، سرآغاز فصلی نو برای چپ گرایـان آمریکا بود؛ موجی تحول‌خواه که اکنون با راه‌یابی دو چهره هم‌مسـلک دیگر به سـاختار مدیریتی دو کلان‌شـهر اثرگذار، شـتابی دوچندان گرفته اسـت. «جینیز لوئیس جورج» در واشنگتن دی‌سـی و «نیتیا رامان» در لس‌آنجلس با تکیه بر شعارهایی چون مهار هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، تامین مسکن مقرون‌به‌صرفه و گسـترش چتر رفاه عمومی، توانسته‌اند اعتماد شهروندان را جلب کنند و سکان مدیریت شهری را به‌دست گیرند.

هم‌پوشـانی دیدگاه این سیاسـتمداران با رویکرد ممدانی چنان پررنگ بوده که نشریه «واشنگتن» در گزارشی، لوئیس جورج را «نسخه واشـنگتنی شـهردار نیویورک» لقب داد؛ هرچند بررسـی دقیق‌تر برنامه‌های آنان آشـکار می کند که در شـیوه تامین مالی خدمات و حدود مداخله شهرداری در اقتصاد شهری، مرزبندی‌ها و تفاوت‌های مشـخصی میان آنها برقرار اسـت. برآمدن این جریان تازه درست در بزنگاهـی رخ می‌دهد که بحران دسترسـی به مسـکن و سـنگینی هزینه‌های معیشت، نفس ساکنان کلان‌شهرهای آمریکا را به شماره انداخته اسـت. در چنین فضایی، نامزدهایی پیروز میدان شدند که نوید دادند نهاد شـهرداری را از سـاختاری صرفا خدماتی و ناظر، به بازیگری فعال و پیشرو در سامان‌بخشـی به بازار مسکن، حمل‌ونقل و چتر حمایتی جامعه تبدیل کنند. بااین‌حال، پرسـش بنیادین این است: چه عواملی بستر را برای نفوذ این تفکر در شریان‌های حکمرانی شـهری آمریکا هموار کرده‌اند و آیا مدیران جدید خواهند توانسـت آرمان‌های انتخاباتی خود را به سیاست‌هایی پایدار، گره‌گشا و عملیاتی تبدیل کنند؟

› **ممدانی‌ها چه برنامه‌ای برای شهرها دارند؟**

بر اساس گزارشی از «واشنگتن‌پست»، نتایج انتخابات شهرداری‌ها در سوم نوامبر ۲۰۲۶ از نفوذ روزافزون جریان سوسیالیسم دموکراتیک در ساختار مدیریت شهری ایالات متحده پرده برداشت. در این دور از رقابت‌ها، «جینیز لوئیس جورج» در واشنگتن دی‌سی و «نیتیا رامان» در لس‌آنجلس موفق شدند رقبای خود را پشت سر بگذارند و به جمع پیشگامان این جریان ملحق شوند؛ موجی فراگیر که پیش‌تر با پیروزی «زهران ممدانی» در نیویورک کانون توجه افکار عمومی قرار گرفته بود. لوئیس جورج با تمرکز بر اولویت‌های معیشتی طبقه کارگر و مستاجران، نام خود را به‌عنوان نخستین شهردار سوسیالیست دموکرات پایتخت آمریکا ثبت کرد. در سـوی دیگر این کشـور، رامان با شکست «کارن بس»، شهردار مستقر لس‌آنجلس، به‌پیروزی چشم‌گیری دست‌یافت؛ رویدادی که نشان‌دهنده چرخش آشکار جهت‌نمای سیاسی در یکی از کلیدی‌ترین کلان‌شهرهای آمریکا است.

بااین حال، اشتراک خاسـتگاه فکری این چهره‌ها هرگز به معنای همسـانی کامل برنامه‌های عملیاتی آنها نیست. مقایسه وعده‌های ممدانی و لوئیس جورج نشان می‌دهد هر دو اگرچه مهار هزینه‌های سرسام‌آور زندگی شهری را ستون فقرات برنامه‌های خود قرار داده‌اند، اما نقشه‌های راه متفاوتی را برای تحقق آن پیشنهاد می‌کنند. ممدانی متعهد شـده ظرف یک دهه، ۲۰۰ هزار واحد مسـکونی ارزان‌قیمت با اجاره‌بهای تثبیت‌شـده بسـازد؛ در نقطه مقابـل، لوئیس جورج از ساخت ۷۲ هزار واحد مسکونی در بازه‌ای پنج سـاله برای واشنگتن سخن می‌گوید. تمایز دیدگاه این دو فراتر از ارقام و زمان‌بندی است؛ لوئیس جورج بر توسعه محله‌هایی با تنوع طبقاتی و درآمدی، تعمیق مالکیت عمومی و ثبات‌بخشی به‌بازار اجاره تاکید دارد و تمام واحدهای هدف را الزاما در زمره مسکن ارزان‌قیمت یارانه‌ای تعریف نمی‌کند.

این واگرایی سیاستی در بخش حمل‌ونقل و نگهداری از کودکان نیز بازتاب یافته است. ممدانی همچنان طرفدار رایگان‌سازی کامل شبکه اتوبوس‌رانی برای عموم شهروندان نیویورک است؛ درحالی که لوئیس جورج در مرحله نخست ترجیح می‌دهد این معافیت هزینه‌ای را تنها به قشرهای کم‌درآمد و دارندگان کوپن‌های غذایی اختصاص دهد. در عرصـه مراقبت از خردسـالان نیز، ممدانی خواسـتار ارائه خدمات رایگان و همگانی اسـت، اما راهبرد لوئیس جورج بر مهار بار مالی خانواده‌ها تمرکز دارد؛ به‌گونه‌ای که هیچ خانواری ناچار نباشد بیش از ۷ درصد درآمد ماهانه خود را صرف هزینه مهدکودک کند. در مقوله تامین مایحتاج روزمره نیز رویکردها متفاوت است: درحالی که ممدانی ایده ایجاد فروشـگاه‌های زنجیره‌ای دولتی را در پنج بخش نیویورک مطرح کرده، لوئیس جورج اولویت را به تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در محله‌های محـروم واشـنگتن داده و راه‌اندازی فروشـگاه‌های عمومی را تنها به منزله راهکار جایگزیـن و در صورت ناکامی بازار مدنظر دارد.

در بخش تامین منابع مالی نیز اگرچه هر دو نگاهی ویژه به اهرم‌های مالیاتی دارند، اما پیکان این سیاست را به نقاط مختلفی نشانه رفته‌اند. ممدانی تمرکز اصلی خـود را بر افزایش مالیـات ثروتمندان و وضع عوارض سنگین بر اقامتگاه‌های دوم و ویلاهای اعیانی گذاشته است؛ در مقابل، لوئیس جورج علاوه بر پیشینه موافقت با مالیات بر درآمدهای بالا، در کارزار انتخاباتی‌اش بر بستن روزنه‌های فرار مالیاتی ابرشرکت‌ها و اصلاح ساختار مالیات کسب‌وکارها پافشاری کرده است. بنابراین، پیونددهنده این مدیران تازه، نه پیروی از نسـخه‌ای یکنواخت، بلکه باوری مشترک به این اصل است که شهرداری نباید صرف اداره کننده امور روزمره خدمات شهری باشد، بلکه باید به بازیگری فعال در مهار بحران‌های معیشتی جامعه تبدیل شود.

در لس‌آنجلس، تفاوت رویکرد نیتیا رامان با دو چهره دیگر بیش از آنکه در جزئیات برنامه‌های رفاهی باشـد، در نحوه مواجهه با بحران بی‌خانمانی و بازسـازی اعتماد عمومی به مدیریت شـهری نمایان می‌شود. رامان در شرایطی توانست کارن بس را شکست دهد که تغییر شیوه حکمرانی شهری و احیای کیفیت خدمات عمومی را در کانون کارزار خود قرار داده بود. به گزارش آسوشیتدپرس، رامان با پشتوانه تشکیلاتی سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا، پیکان انتقادات صریح خود را متوجه کارنامه مدیریت پیشین کرد. دوران سکانداری بس به شدت زیر سایه آتش‌سوزی مرگبار منطقه پالیسیدز و انتقادها از نحوه مدیریت بحران پس از آن قرار داشت؛ واقعه‌ای تلخ که همراه با تداوم بی‌خانمانی، انفجار بهای مسکن و فرسودگی خدمات شهری، کاسه صبر بخش زیادی از شهروندان را لبریز کرده بود.

رامان وعده داده است با استقرار تیم‌های درمانی و مددکاری میدانی در محل تجمع بی‌خانمان‌ها، اعتماد آنها را جلب کند و مسیر را برای اسکان در سرپناه‌های سرپوشیده و امن هموار سازد. او همچنین درپی آن است تا بی‌خانمان‌ها را از اتاق‌های موقت در هتل‌های استیجاری شهرداری به مسکن‌های باثبات و دائمی منتقل کند. هدف بلندپروازانه او کاهش دسـت‌کم ۵۰ درصدی چادرنشینان و کمپ‌های خیابانی تا سال ۲۰۲۸ اسـت؛ هدفی که در مقایسـه با کاهش ۱۷ درصدی این جمعیت در دوره چهارسـاله کارن بس، چالشـی بسیار سنگین به شـمار می‌رود. علاوه بر ایـن، تصمیم رامان بـرای برکناری رئیس پلیس لس‌آنجلس، اقدامی پرمخاطره و بحث‌برانگیز تلقی می‌شود، به‌ویژه در شرایطی که این شهر در تدارک میزبانی حساس بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ اسـت. به این ترتیب، شـهردار جدید کلان‌شهری را تحویل می‌گیرد که همزمان در گرداب بحران‌های ریشه‌دار اجتماعی دست‌وپا می‌زند و با بار سنگین انتظارات عمومی برای تحولی سریع، ملموس و ساختاری روبه‌رو است.

› **بحران هزینه زندگی؛ بستر ظهور چپ‌گرایان شهری**

پیروزی نامزدهای متمایل به سوسیالیسـم دموکراتیک در برخی کلان‌شهرهای آمریکا را نباید صرفا چرخشی ایدئولوژیک به سوی چپ تلقی کرد. بخش عمده این دگرگونی از جابه‌جایی اولویت‌های جامعه و برآمدن «هزینه‌های زندگی» به‌عنوان مبرم‌ترین دغدغه شهروندان سرچشـمه می‌گیـرد. ارزیابی‌های موسسـه مطالعاتی بروکینگز نشان می‌دهد که اگر در انتخابات سـال ۲۰۲۱ شهرداری نیویورک، هراس از ناامنی و رشد جرم‌وجنایت نبض رقابت‌ها را تعیین می‌کرد، چهار سـال بعد، مهار هزینه‌های سرسـام‌آور معیشت به قطب‌نمای اصلی رأی‌دهندگان تبدیل شد. زهران ممدانی با درک این چرخش اجتماعی، برنامه‌های خود را بر چهارپایه مشـخص بنا نهاد: تثبیت اجاره‌بها، رایگان‌سازی شبکه اتوبوسرانی، ارائه خدمات نگهداری از کودکان و توسعه مسکن مقرون‌به‌صرفه. این وعده‌ها چون مستقیما با دخل‌وخرج روزمره خانواده‌ها گره خورده بودند، توانستند مطالبات عینی شهروندان را به نیروی محرکه اصلی کارزار او بدل کنند.

در کنار این فشارهای ملموس اقتصادی، سرخوردگی از چهره‌های سنتی و ساختار حاکم بر حزب دموکرات نیز به میدان‌داری این جریان شتاب بخشید. به تحلیل بروکینگز، ناکامی دموکرات‌ها در انتخابات ریاسـت‌جمهوری ۲۰۲۴ و اشـتیاق بدنه جامعه برای پوست‌اندازی رهبری سیاسـی، بسـتر را برای ورود صداهـای تازه همـوار کرد. در نیویورک، صف‌آرایی سیاستمداران کهنه‌کار و سرمایه‌داران سرشناس در حمایـت از انـدرو کومو، رقیـب ممدانی، اثری معکـوس بر جای گذاشت؛ این ائتلاف به ممدانی فرصت داد تا خود را در قامت چهره‌ای خارج از حلقه‌های بسته قدرت تثبیت کند. این‌گونه، پیوند نارضایتی اقتصادی با بی‌اعتمادی به نخبگان مسـتقر، خونی تازه به رگ‌های کارزار او تزریق کرد.

بااین حـال، تبدیـل یـأس عمومـی بـه برگه‌هـای رأی، بـدون کار تشـکیلاتی و سـازمان‌دهی میدانـی ممکن نبود. تشـکیلات «سوسیالیسـت‌های دموکرات آمریکا» که ممدانی عضـوی از آن به شمار می‌رفت، سـتون فقرات شـبکه داوطلبان و ارتباط مستقیم با لایه‌های زیرین شهر را شـکل داد. بر اساس برآورد سـتاد او، نزدیک به ۳۰ هزار داوطلب در این حرکت مشارکت کردند و با گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره و خانه به خانه، پیام کارزار را به عمق محلات رساندند. جذب رأی‌دهندگان خاموش، به‌ویـژه جوانانی که پیش‌تر تمایلی به شرکت در انتخابات مقدماتی نداشـتند، برگ برنده این اسـتراتژی بود. این تجربه ثابت کرد که نارضایتی‌های پراکنده تنها زمانی قدرت سیاسی می‌آفرینند که با شبکه‌سازی مویرگی و حضور زنده در میان مردم هدایت شوند.

از سوی دیگر، چرخش فکری نسـل جدید نقشی تعیین کننده در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی این جریان ایفا کرده است. روزنامه واشنگتن‌پست با استناد به پیمایش موسسه گالوپ در اوت ۲۰۲۵ گزارش می‌دهد کـه ۴۹ درصـد از آمریکایی‌های ۱۸ تا ۳۴ سـاله دیدگاهی مثبت به سوسیالیسـم دارنـد؛ درحالی که ایـن رقم در میان افـراد بالای ۵۵ سـال از ۳۰ درصد فراتر نمـی‌رود. همزمان، اقبال عمومی به نظام سرمایه‌داری در کل جامعـه از ۶۰ درصد در سـال ۲۰۲۱ به ۵۴ درصد تنزل یافته اسـت. این آمار لزوما نشـانه سرسـپردگی جوانان به یک مکتـب نظری خاص نیسـت، بلکه از فاصله‌گرفتن آنان از سـازوکارهای اقتصادی موجود حکایت دارد. در روزگاری کـه تامین سرپنـاه، مخارج مهدکـودک و هزینه‌های رفت‌وآمد به دغدغه‌هایی نفس‌گیر بدل شده، نامزدهای این طیف توانسته‌اند چنین مسائل ملموسـی را در کانون گفتمان مدیریت شهری بنشانند. در واشنگتن دی‌سی نیز جینیز لوئیس جورج با اتکا به ائتلاف اتحادیه‌های کارگری و فعالان سوسیالیسـت دموکرات، الگویی مشابه از سازمان‌دهی محله‌محور را پیاده کرد. کارزار او نیز درست مانند نیویورک، مطالبات معیشـتی و بازنگری در خدمات رفاهی را ستون فقرات شعارهای خود قرار داد. این تجربه نشان داد که پیشروی چپ‌های نوظهور در شـهرهای آمریکا، صرفا ناشی از هیجانی زودگذر نیست، بلکه از پیوند سه عامل سرچشمه می‌گیرد: فشـار فزاینده هزینه‌های زندگی و تغییر اولویت‌های نسل جوان، نارضایتی از چهره‌های سنتی قدرت و توانایی در تبدیل گلایه‌های محلی به یک جریان منسجم انتخاباتی.

همین فرمول موفق سـبب شـد تا امواج این تحـول از نیویورک و واشنگتن فراتر رود و در پیکره مدیریت شهری آمریکا گسترده‌تر شود. نتایج انتخابات نوامبر ۲۰۲۶ گواه آن بود که این رویدادها تصادفی و منفرد نبودند؛ در کنار ممدانی در نیویورک، لوئیس جورج در پایتخت آمریکا و کیتی ویلسون در سـیاتل، چهره‌های همفکر دیگری چون نیتیا رامـان در لس‌آنجلس، دیویـد مورالس در پراویدنس و یوسـف ربحی در آن‌آربور نیز توانسـتند سـکان مدیریت محلی را در دسـت گیرند. با این حـال، نباید ایـن پیروزی‌های زنجیـره‌ای را به معنای چرخشی بنیادین و سراسری در جغرافیای سیاسی کل ایالات متحده دانست. تحلیل موسسه بروکینگز از کارنامه نامزدهای تحت حمایت «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» یادآور می‌شود که بخش عمده این دستاوردها تنها در پایگاه‌های سنتی و از پیش تثبیت‌شده حزب دموکرات رقم خورده اسـت؛ به این معنا که با کشیده‌شدن رقابت به حوزه‌های محافظه‌کارتر یا رقابتی‌تر، بخت پیروزی این نامزدها به‌سرعت رنگ باخته است. ازاین‌رو، آنچه در انتخابات ۲۰۲۶ دیده شد، نه یک زلزله ایدئولوژیک ملی، بلکه بازآرایی و پوسـت‌اندازی قدرت در بطن کلان‌شهرهای دموکرات‌نشین است؛ جریانی عمل‌گرا که بیش از هر چیز بر بستر تلاقی فشارهای معیشـتی، بی‌میلی جامعه به نخبگان کهنه‌کار و سـامان‌دهی مویرگی نیروهـای داوطلب در متن محلات جوانه زده است.

› **آزمون دشوار اجرای وعده‌ها**

با وجود شورانگیزی شعارهای انتخاباتی، پیروزی در پای صندوق‌ها لزوما به معنای توانایی تحقق برنامه‌ها نیسـت. موسسـه بروکینگز در ارزیابی دسـت‌اندازهای پیـش روی ممدانی تاکیـد می‌کند که طرح‌های شاخص او، نظیر رایگان‌سازی شبکه اتوبوس‌رانی و خدمات مهدکودک، بار مالی سنگینی دارند و استمرار آنها نیازمند منابع درآمدی پایدار است. از سوی دیگر، مهار دستوری و تثبیت اجاره‌بها به‌تنهایی گره کور کمبود مسکن را باز نمی‌کند و حتی ممکن است انگیزه بخش خصوصی را برای ورود به ساخت‌وساز کاهش دهد؛ ازاین‌رو، افزایش پایدار عرضه مسـکن، به‌ویژه در مقیاس موردنظر این برنامه‌ها، بدون مشـارکت منابع مالی و ظرفیت اجرایی بخش خصوصی با دشواری روبه‌رو خواهـد بود. عـلاوه بر این، تامیـن منابع مالـی این طرح‌ها مستقیما به افزایش پایه‌های مالیاتی گره خورده است؛ تصمیمی که اختیارات شهرداری به‌تنهایی برای آن کفایت نمی‌کند و نیازمند چراغ سبز فرماندار و تصویب در مجلس ایالتی نیویورک است. این تنگناها نشان می‌دهد که حتی بالانگیزه‌ترین شهرداران نیز در گذار از وعده به عمل، با صخره سخت محدودیت‌های مالی و سازوکارهای بوروکراتیک روبه‌رو می‌شوند.

دامنه این چالش‌ها فراتر از کسری بودجه است و ساختار حکمرانی چندسطحی در آمریکا نیز اختیارات مدیران شهری را به‌شدت محدود می‌کند. پژوهش‌های حوزه قدرت شهرداران نشان می‌دهد که پیشبرد برنامه‌های کلان‌شهری بدون همگرایی با دولت‌های ایالتی، نهادهای فدرال، بخش خصوصی و جامعه مدنی ناممکن است. این اصطکاک نهادی زمانی به اوج می‌رسد که اولویت‌های شهرهای بزرگ و عمدتا دموکرات بـا سیاسـت‌های محافظه‌کارانه ایالت‌ها یـا دولت فدرال تلاقی پیدا کند. در چنین بستری، شهرداران نمی‌توانند صرفا با صدور دسـتورالعمل‌های اداری، پروژه‌هایی چون مسکن‌سازی عمومی یا توسعه چتر رفاهی را پیش ببرند و ناگزیرند از دالان پرپیچ‌وخم رایزنی، ائتلاف‌سازی و مصالحه با دیگر نهادها عبور کنند.

تنگنـای افزایش عرضه مسـکن، آینه‌ای تمام‌نما از شـکاف میان آرمان‌های اعلامی و واقعیت‌های اجرایی است. یافته‌های نظرسنجی سـال ۲۰۲۵ شـهرداران آمریکا از سوی «ابتکار شـهرها» در دانشگاه بوستون، گواه آن اسـت که هرچند ۷۵ درصد از شهرداران معتقدند ساخت‌وساز بر پایه قیمت‌های بـازار می‌تواند تورم مسـکن را مهار کند، اما هنگام رسیدگی به اصلاحات بنیادین، این اجماع به‌سرعت رنگ می‌بازد. برای نمونه، تنها ۴۸ درصد شـهرداران با ساخت آزادانه ساختمان‌های چندواحدی در سراسر بافت‌های شهری موافقند. از سوی دیگر، ۴۴ درصد آنان تاکید می‌کنند که جلسات استماع عمومی و اعتراض محله‌ای ساکنان، روند ساخت‌وساز را کند یا متوقف می‌سازد. در بررسی پروژه‌هایی که توجیه اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند اما در نیمه‌راه رها شده‌اند، مدیران شهری بیش از هر چیز به موانع تامین مالی و مقاومت‌های سیاسی اشـاره می‌کنند؛ واقعیتی که اثبات می‌کند پذیرش نظری بحران مسکن، لزوما به گشـایش‌های عملی در نظام شهرسازی ترجمه نمی‌شود.

بر این اسـاس، پیروزی نامزدهای موسـوم به «ممدانی‌ها» را هنوز نمی‌توان به منزله دگرگونی بنیادین در تمامیت سیاست آمریکا ارزیابی کرد. این جریان تا اینجای کار توانسته است از بحران معیشت شهری و فرسودگی نخبگان سنتی فرصتی طلایی برای فتح شهرداری‌ها بسازد. بااین‌حال، بقای سیاسـی آنها در گرو پاسخ به آزمونی بسیار دشوارتر خواهد بود: آیا این شهرداران تازه می‌توانند در چارچوب محدودیت‌های مالی و قفل‌های سـاختاری، دسـتاوردی عینی و ملمـوس در مهار اجاره‌بها، جمع‌آوری بی‌خانمانی و ارتقای خدمات شهری خلق کنند؟ فرجام این کارزار مشخص خواهد کرد که آیا ظهور این سیاستمداران صرفا یک تب تند یک دوره انتخاباتی بوده یا سرآغاز پارادایمی تازه در مدیریت شهری مدرن آمریکا.



ماجرای قبولی چپ‌گراها در انتخابات شهرداری کلان‌شهرهای آمریکا

۱	حدود ۱۰ ماه پس از روی کار آمدن زهران ممدانی شهردار چپ‌گرا در انتخابات شهرداری «نیویورک»، ۶ روز پیش در رقابت‌های انتخاباتی شهرداری‌های «واشنگتن دی‌سی» و «لس‌آنجلس» نیز سکان اداره این دو کلان‌شهر در اختیار افرادی از همین جریان سیاسی قرار گرفت.
۲	لوئیس جورج و نیتیا رامان، شهرداران جدید آمریکا، عینا همان برنامه‌های ممدانی را وعده داده بودند؛ کاهش هزینه مسکن و حمل‌ونقل عمومی در کنار افزایش رفاه.
۳	*نخستین شهردار سوسیال دموکرات پایتخت آمریکا وعده ساخت ۷۰ هزار واحد مسکونی ارزان طی ۵ سال را داده است و همچنین قصد رایگان کردن حمل‌ونقل عمومی برای کم‌درآمدها! **شهردار منتخب لس‌آنجلس نیز می‌خواهد نیمی از بی‌خانمان‌ها را صاحب مسکن دائمی کند.
۴	شهرداران چپ‌گرا «مساله ملموس» شهروندان آمریکایی که «فشار معیشتی» به ویژه هزینه مسکن است را به «برنامه‌های انتخاباتی» تبدیل کردند و با ۴ وعده «تثبیت اجاره‌بها، عرضه مسکن مقرون به صرفه، کاهش هزینه ترددهای شهری و پرداخت کمک هزینه فرزند» پایگاه رأی خود را تقویت کردند.
۵	مدل رأی‌سازی شهرداران جدید کلان‌شهرهای آمریکا، «اعلام خانه به خانه» وعده‌ها و جذب آرای خاموش به ویژه جوانان بوده است.
۶	مطالعات صورت‌گرفته درباره راز قبولی چپ‌ها در انتخابات شهرداری‌های آمریکا نشان می‌دهد: باخت دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ در این چرخش اجتماعی بی‌تاثیر نبوده اما وعده‌سازی درست متناسب با دغدغه ۲۰۲۶ شهروندان، یعنی معیشت، کلید شهرداری‌ها را به این جریان داد.
۷	جریان چپ می‌خواهد شهرداری را از نهاد خدماتی و نظارتی به سازمان «تامین مسکن و تولید چتر حمایت اقتصادی» تبدیل کند؛ رویکرد سیاستی ممدانی و ممدانی‌ها در آمریکا «دخالت در سازوکار بازار اجاره و مسکن‌سازی در تیراژ رویایی» است.
۸	کارنامه ماه‌های اخیر شهردار نیویورک، «موفقیت» شهرداران چپ‌گرا در تحقق وعده‌هایشان را با تردید عمده روبه‌رو کرده است؛ «محدودیت‌های بوروکراتیک» مقابل تصمیمات شهرداری‌ها و همچنین «محدودیت مالی» برای اجرای وعده‌ها ۲ دست‌انداز بزرگ مقابل این مدل اداره شهر است.

هدف طرح جامع تهران محقق شد؟



دنیای‌اقتصاد: هدف تعیین‌شده در طرح جامع تهران برای تبدیل این شهر به یکی از ۳ شهر برتر غرب آسیا پس از ۲۰ سال از تصویب و اجرای این سند، محقق نشده است. نصرالله آبادیان، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، در آیین رونمایی از «سـند زیرسطحی شـهر تهران» با اشاره به عدم تحقق هدف طرح جامع در زمینه جایگاه تهران در میان سـایر شـهرهای منطقه گفت: در سال ۱۳۸۶ که طرح جامع تهران تصویب شد، قرار بود که طی ۵ سال تهران در زمره ۳ شهر برتر غرب آسیا قرار گیرد، اگرچه این هدف محقق نشد، اما در این راسـتا اقدامات متعددی انجام شده و امروز شاهد آن هستیم که بخش زیادی از اهداف در نظر گرفته‌شده محقق شده است. به‌عنوان مثال همان‌گونه که مقرر شـده بود در افق ۱۴۰۵ پایتخت دارای ۷ خط مترو به طول ۳۱۲ کیلومتر و ۱۶۴ ایستگاه اسـت و در زمره برترین شهرهای غرب آسیا به لحاظ وضعیت طول خطوط ریلی قرار داد. همچنین احداث ۴ خط جدید مترو برای پایتخت نیز در حال انجام است که با تکمیل این خطوط، جایگاه برتر تهران به لحاظ شبکه مترو در میان شهرهای غرب آسیا تثبیت خواهد شد.

آبادیان ادامه داد: بازنگری طرح جامع و تفصیلی تهران آغاز شده و جلساتی در این خصوص با وزارت راه و شهرسازی برگزار شده است. در حال حاضر بخش زیادی از آسیب‌شناسـی طرح جامع و تفصیلی فعلی انجام شده و امیدواریم امسال تدوین سـند جدید برای تهران آغاز شود و سـال آینده خروجی اسناد آماده شود. «توسـعه مبتنی بر حمل‌ونقل» به رویکرد جدید تدوین طرح جامع و تفصیلی تبدیل خواهد شد. سند توسـعه مبتنی بر حمل‌ونقل در کمیسیون ماده ۵ بـه تصویب رسـیده و در حال پیشـبرد تصویـب آن در شـورای عالی شهرسازی و معماری هسـتیم. برای تهران برنامه احداث ۱۹۰ کیلومتر دیگر خط مترو در نظر گرفته شده اسـت که کار احداث آنها به زودی آغاز می‌شود. در نظر داریم که خدمات و فعالیت پیرامون این خطوط جدید مسـتقر شـوند و در عین حال مردم بتوانند با عدالت فضایی، دسترسـی مناسبی به خدمات داشته باشـند. در حال حاضر احداث هر کیلومتر مترو ۶۰ تا ۶۵ میلیون یورو هزینه دارد، جذب پیمانکار برای اجرای ۴ خط جدید مترو برای تهران نشان از سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه زیرساخت در پایتخت دارد.

حمایت انبوه‌سازان از اصلاح ساختار نظام خدمات مهندسی

رامین گـوران، رئیس هیات‌مدیـره انجمن صنفی کارفرمایی انبوه‌سـازان مسکن و ساختمان استان تهران، با استقبال از انتشار «چارچوب ملی و الزامات تدوین نظام‌نامه خدمات مهندسـی سـازمان‌های نظام مهندسی ساختمان اسـتان‌ها»، این اقدام را گامی مثبت و امیدبخش در مسـیر اصلاح سـاختار خدمات مهندسـی کشـور دانسـت و بر ضرورت مشـارکت بخش خصوصی و تشکل‌های حرفه‌ای در تکمیل و اجرای این چارچوب تاکید کرد.

گوران با اشاره به انتشار این شیوه‌نامه اظهار کرد: تدوین و ابلاغ این چارچوب را باید اقدامی ارزشمند در مسیر اصلاح ساختار خدمات مهندسی کشور دانست و انجمن انبوه‌سازان مسکن و ساختمان استان تهران از جهت‌گیری‌های اصلی این سند حمایت می‌کند، هرچند معتقد است برخی از مفاد آن برای جلوگیری از برداشت‌های متفاوت و فراهم شدن زمینه اجرای صحیح، نیازمند رفع ابهام و تبیین دقیق‌تر است. وی افزود: اهمیت این اقدام صرفا به ساماندهی فرآیندهای اداری یا اصلاح سـازوکار ارجاع خدمات محدود نمی‌شـود، بلکه ارزش اصلی آن در حرکت به سـمت بازتعریف نقش‌ها، ارتقای کیفیت خدمات، شـفافیت روابط حرفه‌ای و فراهم کردن زمینه توسعه واقعی بازار خدمات مهندسی است. رئیس هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سـازان اسـتان تهران، یکی از مهم‌ترین مثبت این چارچوب را حرکت از تصدی‌گری به تنظیم‌گری عنوان کرد و گفت: انتظار می‌رود سازمان‌های نظام مهندسی به‌جای تمرکز بر تصدی‌گری و مداخله در تمام مراحل ارائه خدمات، نقش موثرتر و حرفه‌ای‌تـری در تنظیم‌گری، تعیین استانداردها، احراز صلاحیت‌ها، نظارت بر عملکرد و صیانت از حقوق بهره‌برداران ایفا کنند؛ چراکه تقویت این جایگاه می‌تواند ضمن ارتقای اعتبار سازمان‌های نظام مهندسـی، زمینه رقابت سـالم و افزایش کیفیت خدمـات را فراهم کند. گوران با تاکید بر اهمیت شفافیت در نظام خدمات مهندسی تصریح کرد: ایجاد سامانه جامع و یکپارچه خدمات مهندسی، ثبت و رهگیری الکترونیک قراردادها و گزارش‌های فنی، شفاف‌سـازی فرآیندهای مالی و قـراردادی و فراهم کردن امکان دسترسی بهره‌برداران به سوابق حرفه‌ای و عملکرد ارائه‌دهندگان خدمات، از الزامات شـکل‌گیری یک نظام حرفه‌ای و پاسخگو است. وی افزود شفافیت، پیش‌نیاز اعتماد و رقابت سالم است و می‌تواند به کاهش تعارض منافع و ارتقای کیفیت خدمات منجر شود.

وی همچنین تدوین این چارچوب با همکاری معاونت مسـکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی و سازمان نظام مهندسی سـاختمان کشور و ابلاغ آن از سوی وزارتخانه را نشـانه‌ای مثبت از هم‌افزایی میان دو نهاد اثرگذار در حوزه ساختمان دانسـت و ادامه داد: نزدیک شـدن دیدگاه‌های این دو مجموعه، فرصت مناسبی برای اصلاح نظام خدمات مهندسی، رفع تعارضات گذشته و حرکت به سمت سیاستگذاری و اجرای هماهنگ فراهم می‌کند.

› **توسعه واقعی بازار خدمات مهندسی؛ ضرورتی برای تمام مراحل پروژه**

رئیس هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان استان تهران با اشاره به ضرورت توسعه بازار خدمات مهندسی در تمام رشته‌ها و مراحل چرخه عمر پروژه بیان کرد: یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌روی این چارچوب، فراهم کردن زمینه ارائه واقعی خدمات تخصصی از مرحلـه مطالعات و طراحی تا نظارت، اجرا، آزمایشـگاه، کنترل کیفیت، مدیریت ساخت و بهره‌برداری است. به گفته گوران، تحقق این رویکرد می‌تواند منافع گسترده‌ای برای بخش‌های مختلف صنعت ساختمان به همراه داشته باشد؛ به گونه‌ای که مهندسـان از فرصت‌های شغلی پایدارتر و امکان رشـد حرفه‌ای برخوردار شـوند، سازندگان و توسـعه‌گران به خدمات تخصصی، یکپارچه و پاسخ‌گو دسترسی پیدا کنند و بهره‌برداران نیز از ارتقای کیفیت، ایمنی و دوام ساختمان‌ها منتفع شـوند. در سطح کلان نیز افزایش بهره‌وری سرمایه، زمین، انرژی و مصالح و جلوگیری از اتلاف منابع ملی از نتایج چنین تحولی خواهد بود.

› **پیوند نظام خدمات مهندسی با توسعه‌گری حرفه‌ای**

گوران با تاکید بر ضرورت تحول در الگوی ساخت‌وسـاز کشـور اظهار کرد: صنعت ساختمان برای عبور از ساخت‌وساز سنتی و حرکت به سمت توسعه‌گری حرفـه‌ای، نیازمنـد پیوند موثر میـان زمین، سرمایـه، مطالعـات اقتصادی و امکان‌سنجی، طراحی، مهندسی، فناوری، تولید صنعتی، اجرا و بهره‌برداری است. وی ادامه داد: در الگوی توسـعه‌گری حرفه‌ای، توسعه‌گر صرفا سازنده سـاختمان نیسـت، بلکه مسـوولیت یکپارچه‌سـازی عوامل و تخصص‌های مختلف پروژه را بر عهده دارد و باید بتواند از ابتدای شکل‌گیری ایده تا تحویل و بهره‌برداری، از خدمات تخصصی و نظام‌مند استفاده کند.